Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 15, No. 4, Winter 2025-2026, 71-90
DOI: 10.21859/priw-150404

Russian Tsarist Autocracy State; Islam and Orthodox Christianity

Mohammadhassan Jabbari[1]

Date of Received: 2026/01/03 **Date of Acceptance**: 2026/03/11

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

Abstract

This article seeks to examine the approach of the Russian Tsarist autocracy state towards Islam as the religion of many Muslims in Russian society, alongside Orthodox Christianity. The Russian Tsars used Orthodox Christianity as a means of legitimizing themselves. This is in a situation where the Tsars were faced with a large Muslim community and their expansionism in the Muslim-populated regions of Central Asia and the Caucasus from the beginning of their formation. This question arises: Given the large Muslim population in Tsarist Russia, could Muslims reproduce their values and identities alongside Orthodox Christians?

The research method of the article is historical-analytical; it will be attempted to examine the approach of the Russian Tsarist autocracy towards Islam and Orthodox Christianity from the beginning of the formation of the Russian Tsarist autocracy in the 15th century until the fall of the Tsars with the communist revolution in 1917, in addition to examining the results of the Russian Tsars' approach.

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Payame Noor University, Tehran, Iran. & Department of Political Science , mhjab819@pnu.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

The Tsarist absolute state, given its unlimited power and acceptance of Orthodox Christianity as its legitimate tool, was not only reluctant to accept Islam as the religion of the vast majority of Muslims in Russian society, but also created obstacles to the reproduction of Muslim values and identities by destroying Muslim identity symbols such as mosques, etc., in comparison to Orthodox Christianity. This approach, in turn, led to the weakening of Islamic identity in Russian society and led to some civil protests by Muslims against the Russian Tsars and ultimately to Muslims joining the 1917 revolution against the Russian Tsars.

Keywords: Russian Tsarist autocracy state, Islam, Orthodox Christianity

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴، صص ۹۰ – ۷۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۵۰۴۰۴

دولت مطلقه تزاری روسیه؛ دین اسلام و مسیحیت ارتدوکس

محمد حسن جباری[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۰

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

این مقاله به دنبال بررسی رویکرد دولت مطلقه تزاری روسیه نسبت به دین اسلام به‌عنوان دین بسیاری از مسلمانان جامعه روسیه در کنار دین مسیحیت ارتدوکس می‌باشد. تزارهای روسیه مسیحیت ارتدوکس را به‌عنوان ابزار مشروعیت بخش خود استفاده می‌کردند. این در حالی است که تزارها از ابتدای شکل‌گیری با جامعه وسیع مسلمانان و با توسعه‌طلبی خود در مناطق مسلمان‌نشین آسیای مرکزی و قفقاز مواجه بودند. این سؤال مطرح می‌شود با توجه به جمعیت وسیع مسلمانان در روسیه دوره تزاری، آیا مسلمانان می‌توانستند در کنار مسیحیان ارتدوکس به بازتولید ارزش‌ها و هویت‌های خود بپردازند؟

روش پژوهش مقاله تاریخی - تحلیلی می‌باشد؛ سعی خواهد شد با توجه به کتب و مقالات قابل‌دسترس، در کنار بررسی رویکرد دولت مطلقه تزاری روسیه نسبت به دین اسلام و مسیحیت ارتدوکس از ابتدای شکل‌گیری دولت مطلقه تزاری روسیه در قرن ۱۵ تا سقوط تزارها با انقلاب کمونیستی در ۱۹۱۷م، نتایج رویکرد تزارهای روسیه نیز مورد بررسی قرار گیرد.

دولت مطلقه تزاری با توجه به قدرت نامحدود خود و پذیرش دین مسیحیت ارتدوکس به‌عنوان ابزار مشروعیت بخش خود، نه‌تنها چندان تمایل به پذیرش دین اسلام به‌عنوان دین اکثریت وسیعی از مسلمانان جامعه روسیه نبود بلکه موانع در بازتولید ارزش‌ها و هویت‌های مسلمانان با تخریب نمادهای هویتی مسلمانان مانند مساجد و غیره در مقایسه با مسیحیت ارتدوکس ایجاد می‌کرد. این رویکرد به‌نوبه خود زمینه تضعیف هویت اسلامی در جامعه روسیه می‌شد و منجر به برخی اعتراضات مدنی مسلمانان بر علیه تزارهای روسیه و در نهایت به سمت همراهی مسلمانان با انقلاب سال ۱۹۱۷ بر علیه تزارهای روسیه شد.

واژه‌های کلیدی: دولت مطلقه تزاری، روسیه، اسلام، مسیحیت ارتدوکس.

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. گروه علوم سیاسی ، mhjab819@pnu.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مقدمه

دین اسلام و مسیحیت تاریخ طولانی در روسیه داشتند. در دوره تزارهای روس نیز هر دو دین نقش بارزی در شکل‌دهی هویت اکثریت جامعه مسیحی ارتدوکس و جامعه مسلمان روسیه داشتند. شکل‌گیری حکومت تزاری در روسیه در قرن ۱۵ با غلبه برای خانات مغول در مسکو شکل گرفت. قدرت‌یابی تزارها همراه با توسعه‌طلبی تزارها در مناطق پیرامونی خود در اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی که بسیاری از مسلمانان در این مناطق سکونت داشتند همراه بود. رویکرد توسعه‌طلبانه تزارها طی چندین قرن تا اواخر قرن ۱۹ زمینه ضمیمه شدن بسیاری از مناطق پیرامونی مسلمان‌نشین به دولت مطلقه تزاری روسیه شد و منجر به افزایش جمعیت مسلمانان در قلمرو امپراطوری تزاری روسیه شد. با این حال یک مسئله‌ای که به وجود می‌آید این است که وضعیت مسلمانان به‌عنوان یک جمعیت وسیع در دوره تزارهای روسیه به چه صورت بوده است. آیا دولت مطلقه تزارهای روسیه رویکرد برابر نسبت به دین اسلام و مسیحیت ارتدوکس داشتند؟ آیا تزارهای روسیه در حفظ و احیاء نمادها و هویت‌های دینی مسلمانان و مسیحیان ارتدوکس تبعیض قائل نبودند؟

در این پژوهش سعی می‌شود با استفاده از روش تاریخی- تحلیلی و داده‌های قابل‌دسترس کتب و مقالات، در کنار بررسی پیشینه تحقیق و مبانی نظری تحقیق، رویکرد دولت مطلقه تزاری و نتایج رویکرد دولت تزاری روسیه نسبت به دین اسلام به‌عنوان هویت جامعه وسیع مسلمانان و دین مسیحیت ارتدوکس به‌عنوان نماد سلطنت تزاری روسیه مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

با وجود اینکه جمعیت وسیع مسلمانان در قلمرو امپراطوری روسیه ماحصل توسعه‌طلبی تزارهای روسیه در مناطق پیرامونی به‌ویژه مناطق مسلمان‌نشین ایران در قفقاز و آسیای مرکزی بوده است، مطالعات و پژوهش‌ها در نشریات داخلی در خصوص رویکرد تزارها نسبت به حفظ هویت اسلامی جامعه مسلمان نسبت به ادیان دیگر به‌ویژه مسیحیت ارتدوکس انجام نشده است هرچند در نشریات خارجی کتب و مقالات متنوعی در این خصوص منتشر شده است. هریک با رویکردهای مختلفی به این امر پرداخته‌اند. کتاب «اسلام هراسی روسیه» مؤلف اسکندر عباسی (۲۰۲۳) به بررسی میراث داری بیزانس ارتدوکس مسیحی توسط روس‌ها پرداخته است اینکه روس‌ها خود را میراث دار امپراطوری بیزانس می‌دانستند و نوعی اسلامی هراسی در پیرامون مرزهای خود با مسلمانان را ترویج می‌کردند. این امر زمینه توسعه‌طلبی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مسلمانان در مناطق مسلمان‌نشین در اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی می‌شد. زوزانا روزکوشووا (۲۰۲۱) در اثر «جستجوی جایگاهی برای اسلام در روسیه پس از شوروی» به بررسی میراث تاریخی مسلمان در سرزمین روسیه اشاره می‌کند اینکه مناطق مسلمان‌نشین قلمرو روسیه جزئی از میراث تاریخی قلمروی مسلمان با جمعیت بسیار زیاد می‌باشد. کالین مارتین (۲۰۱۷) در اثر «اسلام و انقلاب» به بررسی انقلاب کمونیستی در روسیه و نقش مسلمانان در روسیه می‌پردازد اینکه بسیاری از مناطق مختلف روسیه در دوره انقلاب کمونیستی جزئی از قلمرو مسلمانان بود است که طی چندین قرن با توسعه‌طلبی تزارها تحت کنترل آن‌ها در آمده است و مدیریت این مناطق به صورت مستقیم توسط تزارهای روس اداره می‌شد.

هرکدام از آثار در پیشینه تحقیق از زوایای مختلف به رویکرد دولت مطلقه تزاری روسیه نسبت به ادیان پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها شناخت نسبی نسبت به وضعیت دین اسلام و مسیحیت ارتدوکس ایجاد می‌کنند. با وجود این ضرورت پژوهش در خصوص رویکرد دولت مطلقه تزاری روسیه نسبت به دین اسلام و مسیحیت ارتدوکس و نتایج رویکرد دولت تزاری روسیه وجود دارد. در این پژوهش سعی خواهد شد این امر مورد بررسی قرار گیرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

مبانی نظری پژوهش

رژیم‌های سیاسی در طول تاریخ به اشکال مختلف دمکراتیک و غیر دمکراتیک به وجود آمده‌اند. رژیم‌های سیاسی دمکراتیک مبنای شکل‌گیری خود را طبق اراده مردم می‌دانند. همان‌طوری که هابز، لاک، پوفندرف و روسو باور دارند مردم به خاطر تأمین منافع خود طبق قرارداد اجتماعی حکومت خود را شکل می‌دهند لیکن در شکل غیر دمکراتیک دولت مردم نقش بارزی در شکل‌دهی و مشروعیت دهی هیئت حاکمه برخوردار نیستند عواملی مانند غلبه یا زور به قول ابن خلدون و اپنهایمر، اقتصاد با برتری طبقه دارای ابزار تولید بر طبقه فاقد ابزار تولید، حق الهی حکمرانی با ادعای نیابت الهی حکمرانی و غیره منشأ شکل‌گیری دولت می‌باشند.

ارسطو حکومت را براساس تعداد افراد و منافع مردم تقسیم‌بندی می‌کند چنانچه یک فرد در جهت مصالح مردم حکومت کند پادشاهی در غیر این صورت تیرانی، چنانچه عده‌ای افراد ممتاز در جهت مصالح مردم حکومت کند اریستوکراسی در غیر این صورت الیگارشی و چنانچه حکومت مردم بر مردم باشد حکومت پولیتی در غیر این صورت فرمانروایی توده مردم و افراطی، دمکراسی می‌باشد (عالم،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

۱۳۹۲: ۱۲۶-۱۲۷) مونتسکیو حکومت‌ها را سه نوع می‌داند ۱- جمهوری حکومتی است که تمامی مردم یا فقط بخش از آن‌ها حق حاکمیت را در دست دارند ۲- حکومت سلطنتی حکومتی که تنها یک‌تن اما بر اساس قوانین ثابت و مستقر حکومت می‌کند ۳- حکومت استبدادی حکومتی که یک‌تن بدون قانون و قاعده‌ای همگان را به دنبال اراده و هوس‌های خویش می‌کشاند (آرون، ۱۳۸۲: ۳۱). برخلاف رژیم دمکراتیک، در رژیم‌های غیر دمکراتیک مردم تأثیرگذار در تصمیم‌گیری در اداره کشور نیستند و به اشکال مختلف پادشاهی، استبدادی، اریستوکراسی، الیگارشی، توتالیتر، دیکتاتوری و غیر هستند که قدرت مطلقه در اختیار یک فرد یا گروهی خاص قرار دارد. چنین دولت‌ها دارای قدرت مطلقه هستند و خود را چندان مقید به نظر و اراده مردم یا حقوق مردم نمی‌دانند.

وینسنت دولت با قدرت مطلقه را به دولتی اطلاق می‌کند که قدرت کامل و مطلق در اختیار حاکم بدون هیچ قاعده و قانونی قرار می‌گیرد و شخص حاکم منبع قانون می‌باشد (وینسنت، ۱۳۹۲: ۸۴) چنین دولتی واجد حقوق نامحدود بر جان و مال مردم است. فرهنگ آکسفورد حاکم مستبد را حاکم مطلقه می‌داند بدین گونه مطلقه و استبدادی کنار هم قرار می‌گیرد (وینست، ۱۳۹۲: ۷۹-۷۸).

دولت مطلقه حاصل تحولات پس از عصر روشنگری با شکل‌گیری نظام‌های سلطنتی در اروپا می‌باشد. در چنین نظام‌ها دولت شامل مجموعه نهادها تحت ریاست پادشاه بود و اقتدارش غیرمردمی و وجه خدادادی قلمداد می‌شد. در سلطنت‌های مطلقه، دولت بخشی از زندگی روزمره تبدیل می‌شود و روابط اجتماعی ریشه در سلسله‌مراتب تولد قرار می‌گیرد که مردم همچنان آن را به‌عنوان بخشی از نظم الهی می‌پذیرند .(Wirtschafter , 2008: 1-2) در واقع در حکومت‌های مطلقه دولت شامل دوطبقه حاکمان و رعایا می‌باشند حاکمان تمام نهادهای حکومتی را در دست دارند و منبع بی و چون و چرا قانون هستند وظیفه حاکم فرمانروایی و وظیفه رعیت تبعیت می‌باشد آن‌ها خود را مسئول در مقابل رعایا نمی‌دانند صرفاً برخی ا چنین حاکمان خود را تابع مقررات الهی می‌دانند (Morrow, 1998: 249).

برخی تئوریسین‌ها مانند هابز دولت مطلقه را برای ایجاد امنیت و ژان بدن وجود حاکم مطلقه را برای نظم و ثبات جامعه مناسب می‌دانند بدن در خصوص پادشاه بر این باور است که همچنان که خداوند یگانه بر جهان حاکم است همچنان که پدر بر خانواده حکومت می‌کند پادشاه نیز همچون سر در بدن و راعی رعایا می‌باشد (وینست، ۱۳۹۲: ۸۰).

دیوید هیوم پادشاه به دو طریق یا با قدرت نامحدود و بدون قائل شدن هر نوع امتیاز بر رعایا همانند پادشاهان شرق حکومت کند یا همانند پادشاهان اروپایی دارای قدرت ملایم‌تر داشته باشد و بر مردم نیز

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

احترام بگذارد (ازغندی،۱۳۹۱: ۱۹). بدین جهت دولت مطلقه به‌عنوان شکلی از نظام‌های غیردمکراتیک مبنای شکل‌گیری و حکومت‌داری خود را اراده ملت نمی‌دادند و مقید به پاسخگوی در مقابل مردم نیست. چنین رژیم‌های سیاسی یا بر اساس غلبه و زور شکل می‌گیرند و در فرایند اداره جامعه مبنای تداوم خود را یا از طریق زور و سرکوب مخالفان می‌دانند و یا با استفاده از ابزارهای مشروعیت بخش مانند حق الهی سلطنت قدرت خود را برای سرکوب مخالفان توجیه می‌کنند. هرچند برخی از حاکمان غیر دمکراتیک در جهت مصالح و منافع خود ممکن است برخی امتیازات نیز برای مردم طبق شرایط قائل شود.

دولت مطلقه تزاری در روسیه

قبل از تعیین ویژگی دولت مطلقه تزاری ضرورت دارد شناختی از مفهوم تزار داشته باشیم. شناخت مفهوم تزار به فهم ویژگی‌ها دولت مطلقه تزاری روسیه کمک خواهد کرد. اصطلاح تزار در شکل اسلاوی ابتدا در صربستان و بلغارستان قرون‌وسطی به وجود آمد. در آنجا سزار لاتین یا کایزار یونانی در اصطلاحات اسلاوی اولیه به تزار تبدیل شده بود در آن زمان پادشاهی صربستان و بلغارستان تابع امپراطوری بیزانس بودند. شاهزادگان مسکووی نیز خود را در چارچوب منویات امپراطوری بیزانس قلمداد می‌کردند و خود را تزار نامیدند. تزار در ادبیات سیاسی به حاکم مطلقه در تاریخی از روسیه از اواخر قرن ۱۵ اطلاق می‌شود که شاهزادگان بزرگ روسیه برای اولین بار عنوان «تزار» را برای خود ادعا کردند (Brüning, 1-3 :2023). ایوان سوم نیز از شاهزادگان بزرگ مسکو با استقلال روسیه از اردوی زرین مغولان در ۱۴۷۶م خود را به‌عنوان تزار فرمانروایی تمام روسیه نامید بعد از ایوان سوم و واسیلی، ایوان چهارم در سال ۱۵۴۷م به سلطنت رسید. ایوان چهارم تنها حاکم مستبد، هیچ ساختار مستقل از نهادها که واسطه قدرت وی باشد نمی‌پذیرفت. قوانین و جامعه مدنی امکان شکل‌گیری نداشت (Anonymous,n.d:13-17) میراث ایوان شامل قتل‌عام و ترور منتقدان بود که منجر به کاهش جمعیت و ویرانی اقتصادی و بی‌ثباتی تا زمان میخائیل رومانوف به‌عنوان تزار در ۱۶۱۳ شد. میخائیل رومانف نیز با همان رویکرد تزارهای پیشین برای کنترل مردم، دفاتر اداری مرکزی، ارتش دائمی و غیره را برای کنترل قلمرو روسیه ایجاد کرد (Wirtschafter, 2008: 2-3). تزارها با کنترل بر قلمرو وسیع روسیه تا انقلاب شوروی حکومت را در دست داشتند. بدین جهت تزار به‌عنوان یکی از القاب حاکمان روسیه ارتدوکس تا زمان انقلاب شوروی به مدت تقریباً ۴۵۰ سال با برکناری تزار نیکلاس دوم در فوریه ۱۹۱۷م و تأسیس دولت موقت به کار می‌رفت (Brü ning ۱ :۲۰۲۳,).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

تزارهای روس در مدت حدود ۴۵۰ سال حکومت در روسیه هیچ قیود و محدودیت برای حکومت خود قائل نبودند. با وجود تحولات عصر روشنگری در خصوص برابری و آزادی انسان در برخورداری از حقوق خود، تزارها حکومت مطلقه بدون قیود و محدودیت‌ها را به‌عنوان مبنای برای نظم دهی بر جامعه قلمداد می‌کردند. نگاه تزارها به انسان نگاه هابزی بود انسان را شرور قلمداد می‌کردند و تنها راه کنترل مردم و حفظ قدرت را ایجاد یک حکومت مطلقه بدون قیود و محدودیت‌ها می‌دانستند پوبدونوستوف خودکامگی را وسیله‌ای می‌دانست که بدترین افراط و تفریط طبیعت بشر را مهار می‌کند. همه تزارها از اسکندر دوم تا نیکلاس دوم معتقد بودند که خودکامگی چیزی است که باید حفظ شود زیرا مؤثرترین وسیله برای اداره کشوری مانند روسیه است (Waller, 2015: 5-6). الکساندر سوم از استبداد ستایش می‌کرد (Wortman, 2013: 65-66) و از پلیس مخفی به‌شدت برای سرکوب مخالفان سیاسی استفاده می‌کرد (Waller, 2015: 8). بعد از الکساندر سوم نیکلاس دوم به قدرت رسید وی نیز مانند پدرش یک خودکامه متعهد بود بدین جهت استبداد از مشخصه تزاریسم روسیه می‌باشد. تزارهای روسیه برای حفظ قدرت خود حتی مسیحیت را به‌عنوان ابزار مشروعیت بخش خود استفاده می‌کردند.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

تزاریسم روسیه و مسیحیت ارتدوکس

مسیحت ارتدوکس به‌عنوان شاخه‌ای از دین مسیحیت می‌باشد که در دوره روسیه تزاری ترویج می‌شد. در خصوص فرایند تاریخی پذیرش مسیحیت در روسیه باید نگاهی تاریخی نسبت به این رخداد تاریخی داشته باشیم. برخی پدیده‌های تاریخی تأثیرگذار در فرایندهای تاریخی می‌باشند به عقیده ماکس وبر اوضاع و احوال یگانه‌ای ممکن است زمینه برخی از رخدادهای تاریخی شود. به عبارت دیگر این علیت تاریخی می‌باشد که زمینه‌ساز برخی رخدادهای تاریخی شده است. در علیت تاریخی به دنبال رابطه بین پدیده‌ها با یکدیگر می‌باشیم اینکه پدیده‌های تاریخی چگونه بر یکدیگر تأثیرگذار می‌باشند. در خصوص اینکه چرا مسیحت ارتدوکس در دوره دولت مطلقه تزاری ترویج می‌شد بایستی پدیده تاریخی و علیت تاریخی این امر مورد بررسی قرار گیرد. این موضوع مورد بررسی قرار گیرد که دین مسیحیت ارتدوکس چگونه در روسیه ترویج شد و چه نتایجی را با خود داشت.

پذیرش مسیحیت در تمدن روسیه به دوره اولگا در کیف در سال ۹۷۷/۹۵۵ م برمی‌گردد وی به قسطنطنیه سفر کرد و با پاتریک قسطنطنیه ملاقات کرد وی در قسطنطنیه غسل‌تعمید دید. بعد از اولگا نوه‌اش ولادیمیر به مسیحیت گروید. امپراطور بیطانس به‌شرط استقرار مسیحیت در روسیه دختر خود را

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

به وی پیشنهاد کرد این امر انجام شد و غسل تعمید داده شد. وی برای مسیحی شدن مردمش دستور داد مجسمه‌های بت‌پرستان به زیر کشیده شود و تمام جمعیت کیف به صورت دست جمعی کنار رودخانه غسل تعمیده داده شود. پذیرش مسیحیت باعث ورود مبلغان مسیحی به روسیه به‌ویژه از یونان شد و در دوره یاروسلاو (۱۰۱۹-۱۰۵۴) نوه سنت ولادیمیر کلیسا جامع سنت سوفیا با ۱۳ گنبد طلایی در کیف تأسیس شد. لیکن به دلیل اختلافات بین فرزندان ولادیمیر بعد از مرگ ولادیمیر، فرصت برای حمله مغول‌ها و شکست آن‌ها از مغول‌ها شد .(Anonymous, n.d: 8-10)

حمله مغول‌ها و تسلیم روس‌های کیف در طول سال‌های ۱۲۳۷-۱۲۴۰م رخ داد. باتو در ۱۲۴۰م خود کیف را نابود کرد مغول‌ها بسیاری از شاهزادگان، اسقف‌ها و کاهنان را به قتل رساند و برخی کلیساها را آتش زدند. البته طی سال‌های حضور مغول‌ها و حکومت تاتارها بسیاری از کلیساها همچنان به‌عنوان منبع آرامش معنوی و سازمان دهنده اقتصادی و رفاهی عمل می‌کردند. در قرن ۱۴ تاتارها از شدت تسلط خود کاستن و به شاهزادگان استقلال دادند ایوان اول اعتماد خان را جلب کرد و به‌عنوان شاهزاده مسکو منصوب شد و قدرت خود را در مقابل تاتارها افزایش داد. برجستگی امارت مسکو با سقوط قسطنطنیه توسط ترکان عثمانی در ۱۴۵۳م نمایان شد با رسمی شدن اسلام در قسطنطنیه یا استانبول، بسیاری از مسیحیان ارتدوکس یونانی به مسکو روسیه نماد کلیسای ارتدوکس رفتند (Anonymous, n.d: 10-13).

افزایش مهاجران مسیحی به روسیه زمینه ترویج بیشتر مسیحیت در روسیه شد و تزارهای روس نیز از مسیحیت برای مشروعیت دینی استفاده می‌کردند و به حمایت خود از مسیحیت ارتدوکس ادامه می‌دادند. تزارها خود را مدعی سنگر مسیحیت بعد از فروپاشی امپراطور بیزانس می‌دانستند(Childers, 2012: 7). کلیسا نیز مشروعیت تزارها را به‌عنوان آخرین حامیان مسیحیت در برابر مسلمانان در مرزهای جنوبی و شرقی تضمین می‌کرد. بنابراین، کلیسا منبع واقعی قدرت تزار بود. (Merati, 2015: 84) این مشروعیت دهی تزارها، جسارت تزارها را در هرگونه ظلم و ستم برای رسیدن به اهداف خود تسهیل می‌کرد چون به منصب خود وجهه الهی می‌دادند و هیچ مکانسیم قانونی برای کنترل قدرت خود قائل نبودند. چنین جایگاهی برای تزار، زمینه تقدس تزار می‌شد. تقدس تزار توسط حامیان تزار و کلیساها به‌واسطه برخورداری از قدرت، او را به سطحی بسیار متفاوت از سطح انسان‌های معمولی می‌رساند. به‌گونه‌ای که مقام تزار در تاریخ مسکو و بعداً روسیه عملاً دست‌نیافتنی بود و نقد برای تزار بی‌معنا بود. در تئوری امکان مقاومت مردم تحت حکومت یا اشراف در برابر تزاری وجود داشت که آشکارا در انجام وظایف خدادادی خود کوتاهی می‌کرد.(Brüning, 2023: 5-6) در غیر این صورت تبعیت وظیفه رعایا بود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مشروعیت و تقدس تزارها توسط کلیسا ارتدوکس مسیحت زمینه تقویت نمادهای دینی توسط تزارها شد. تزارها در طول دوره حکومت خود برای تقویت نمادهای دینی مشروعیت دهی خود ساخت کلیساها را از برنامه‌های خود قرار دادند. بیش از بیست کلیسا رسمی به سبک روسی از ۱۸۸۱م تا ۱۹۱۴م در سن پترزبورگ ساخته شد کلیسای جامع عروج مریم مقدس شاخه سن پترزبورگ صومعه غارهای کیف (۱۸۹۵-۱۹۰۰) مشرف به رودخانه نوا، کلیسای جامع رستاخیز (۱۹۰۴-۱۹۰۸) در کانال اوبوودنی، کلیسای جامع پیتر پاول نیکلای سلطانوف در پترهوف در اواخر دهه ۱۸۹۰، کلیسای گنبدی منفرد خیالی نزدیک خارکف در سال ۱۸۸۸م و کلیسای در شهر گوسف با طراحی لئونتی بنوا در آغاز دهه ۱۸۹۰م از جمله کلیسا می‌باشد(Wortman, 2013: 143-145). همان‌طوری که در مباحث فوق مطرح شده است رابطه دولت مطلقه تزاری با مسیحیت ارتدوکس مرتبط با مبانی مشروعیت بخش دولت مطلقه تزاری روسیه می‌باشد. تزارهای روس برای مشروعیت بخش خود نیازمند ابزار مشروعیت بخش بودند. مسیحیت ارتدوکس حق الهی حکومت برای تزارهای روسیه فراهم می‌کرد. این امر به‌نوبه خود موانع برای ترویج ادیان دیگر ایجاد می‌کرد.

تزاریسم روسیه و اسلام

اسلام در اواسط قرن هفتم دوره خلیفه دوم راشدین عمر بن خطاب از طریق داغستان وارد روسیه شد (Akhmetova, 2018: 8-9). در اواخر قرن هفتم بخارا، سمرقند و دوره فرغانه تحت فرمان وی درآمد. در دوره امویان بخش‌های وسیع از ازبکستان تاجیکستان و قرقیزستان به تصرف مسلمانان درآمد. البته منافع اعراب صرفاً اسلام نبود منافع تجاری در جاده ابریشم نیز بود تسلط مسلمانان به این مناطق همراه با حکومت‌های اسلامی مختلف در این مناطق تا زمان به قدرت رسیدن روس‌ها شد (Lenz-Raymann, 2014: 119). در آغاز قرن ۱۳ مغولان به سمت آسیای مرکزی و اروپا توسعه‌طلبی خود را گسترش دادند. بسیاری از شاهزادگان روسی به‌ناچار قدرت مغولان را پذیرفتند و به فاتحان ادای احترام کردند. با توجه به فرهنگ اسلام در آسیای مرکزی بسیاری از خانات مغول مسلمان شدند. قدرت مغولان در قرن ۱۵ کاهش یافت و شاهزادگان مسکو بر مغولان برتری پیدا کردند و در قرن ۱۵ دولت تزاری روسیه شکل گرفت (Bethmann, 1958: 7-8) در سال ۱۵۵۲م با فتح کازان، یکی از بقایای گروه ترکان طلایی، موسکووی [شاهزادگان مسکو] برای اولین بار کنترل جمعیت قابل‌توجهی از مسلمانان را به دست آورند (Khalid, 2007: 35).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مسکو در طول دو قرن بعد با اعمال فرمانروایی بر استپ‌های باشقیر و قزاقستان، مناطق وسیعی از جمعیت مسلمان را تحت کنترل در آورد. در سال ۱۷۸۳م، کاترین کبیر کریمه آخرین جانشین گروه ترکان طلایی را ضمیمه کرد و توسعه‌طلبی روس‌ها از اواخر قرن هجدهم به سمت قفقاز بود. اگرچه الحاق ماوراء قفقاز (از جمله آذربایجان امروزی) با سهولت نسبی انجام شد، فتح قفقاز انرژی روسیه را برای نیمه اول قرن نوزدهم مصرف کرد. انقیاد نهایی قبایل قفقاز تنها با سرکوب اعتراضات و شورش‌ها و دستگیری رهبر نظامی و روحانی قبایل شمیل در سال ۱۸۵۹م کامل شد (Khalid, 2007: 36). در سال ۱۸۵۹م مسلمانان داغستان (چچن و اینگوشیا) پس از ۳۴ سال مقاومت در زمان امام شمیل (۱۸۷۱-۱۷۹۷) کشور خود را به روسیه تزاری از دست دادند (Akhmetova, 2018: 12) زمانی که روس‌ها ماوراءالنهر را فتح کردند، جمعیت مسلمانان امپراطوری روسیه دو برابر شد .(Khalid, 2007: 36)

در نیمه دوم قرن نوزدهم سرزمین‌های وسیعی که به ترکستان روسیه معروف بود توسط روس‌ها اشغال شد. جوامع مسلمان در امپراتوری روسیه به خاطر رویکرد استبدادی تزارها نسبت به مسلمانان احساس یگانگی با تزارهای روسیه نداشتند بیشتر به دنبال اتحاد با جهان اسلام بودند و مطبوعات مسلمان این ایده‌ها را ترویج می‌کرد(Zamoiski: n.d) . مسلمانان حتی پس از تسلط روسیه بر خانات کازان و بخارا که مراکز مهم اقتدار اسلامی در قرون وسطی بودند مبادلات مکرر و منظم با بقیه جهان اسلام داشتند. (Merati, 2015: 5) با این حال تزارها نه‌تنها حاضر به چنین تعاملات مسلمانان روسیه به جهان اسلام نبودند و بلکه به دنبال تضعیف هویت‌های دینی مسلمانان بودند.

تزارها با سلطه خود بر مناطق مسلمان‌نشین تمایلی به تساهل با ارزش‌های دینی مسلمانان نبودند. تزارها اجازه انجام مراسم مسلمانان را مشروط به تبعیت از تزارها می‌دادند. در طول سلطنت تزارهای روسیه، مسلمانان احساس می‌کردند که سرنوشت آن‌ها در تبعیت از آن‌ها گره خورده است (Service, 2018: 1). این امر منجر به نفرت از فرهنگ و ارزش‌های نظام تزاری روسیه می‌شد. واسیلی کلیوچفسکس در کتاب تاریخ روسیه نوشته است استعمار و استبداد واقعیت اساسی تاریخ روسیه است بناهای ترسناک با تداعی امپراطور خیالی شکاف بین پادشاه و ملیت‌های تابع امپراطوری را آشکار می‌کرد این شکاف با تأسیس دومای دولتی و انتخابات ۱۹۰۶م آشکار شد که نخبگان بومی به دنبال خودمختاری بر اساس زبان، فرهنگ و ارزش‌های خود بودند (Wortman, 2013: 276-274). تمایل به خودمختاری مسلمانان با جنبش‌های انقلابی در سال ۱۹۰۶م نشانگر نفرت مسلمانان از سلطه تزارها بود. همان‌طوری که در مباحث فوق ذکر شد به دلیل ماهیت دولت مطلقه تزاری روسیه با ابزار مشروعیت بخش مسیحیت ارتدوکس، مسلمانان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

نه‌تنها آزادی نسبی برای ترویج هویت خود برخوردار نبودند بلکه در صورت هرگونه انتقاد به رفتار دوگانه و تبعیض‌آمیز تزارها نسبت به دین اسلام با سرکوب مسلمانان توسط تزارها همراه می‌شد.

وضعیت مسلمانان نسبت به مسیحیان ارتدوکس

دو دین مسیحت و اسلام سابقه طولانی در روسیه داشتند. در دوره دولت مطلقه تزاری روسیه نیز دو دین مسیحت ارتدوکس و اسلام به‌عنوان دو دین دارای پیروان اکثریت قلمداد می‌شدند. تزارهای روسیه بر قلمروِ گسترده‌ای حکومت می‌کردند که بیشتر آن از طریق توسعه‌طلبی به‌ویژه در مناطق مسلمان‌نشین بوده است. این فرض ممکن است پیش بیاید با توجه به جمعیت وسیع مسلمان در دولت مطلقه تزاری، دولت مطلقه تزاری رویکرد یکسان نسبت به ادیان داشته باشد اما واقعیت متفاوت از شرایط تاریخی می‌باشد. با توجه به داده‌های مرتبط با رویکرد دولت مطلقه تزاری نسبت به مسیحیت ارتدوکس و دین اسلام، وقایع تاریخی نمایانگر رویکرد دوگانه دولت مطلقه تزاری نسبت به ادیان به‌ویژه اقوام غیرروسی است.

امپراطور تزاری به تفاوت‌های قومی و مذهبی در بین رعایای خودباور داشت و نسبت به غیر مسیحیان و غیر روس‌ها تبعیض قائل بود به‌گونه‌ای در مراسم افتتاحیه فرماندار کل کورپاتکین در ۱۸۹۰م در عشق‌آباد نمایان بود؛ هنگامی که یک تاجر ارمنی از وی استقبال کرد وی با عصبانیت واکنش نشان داد و اعلام کرد روس‌ها شهرنشین در جلو قرار گیرند سپس ترکمن‌ها، قرقیزها، ارمنی‌ها و در نهایت ایرانی‌ها و افغان‌ها قرار گیرند شهرنشین‌های روس‌ها گرچه از طبقه پایین بودند لیکن در رأس سلسله‌مراتب منزلت اجتماعی قرار می‌گرفتند. تزارها همچنین نگاه منفی به یهودیان داشتند به‌گونه‌ای دوک بزرگ سرگئی الکساندروویچ در سال ۱۸۹۱م به مقام فرماندار کل مسکو رسید، با حمایت تزار درخواست کرد که یهودیان از آنجا خارج شوند که منجر به اخراج دو سوم از سی هزار ساکن یهودی شهر شد.(Wortman, 2013: 273-274) امپراطور تزاری حتی در مذاهب مسیحی نیز بین رعایای خود تفاوت قائل بود اسلاوهای ارتدوکس را در صدر قرار می‌داد بعد از آن‌ها به ترتیب کاتولیک‌ها و مسلمانان قرار داشتند (Merati, ۲۰۱۵: ۲). چنین رفتارهای متفاوت تزارهای روس ارتدوکس نسبت به مذهب و قومیت‌های دیگر باعث افزایش نفرت آن‌ها نسبت به تزارهای ارتدوکس روسی می‌شد.

تزارهای روس با توجه به مشروعیت بخشی خود از طریق مذهب مسیحیت ارتدوکس، هر نوع دین و مذاهب مختلف را تحمل نمی‌کردند. این رابطه نزدیک‌بین تزارها و کلیساهای مسیحیت ارتدوکس به‌نوعی مشروعیت بخش دین و سیاست دولت مطلقه تزاری روسیه و مسیحیت ارتدوکس بود. این امر به‌نوبه

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

خود هر نوع بازتولید هویت و ارزش متعارض با دین مسیحیت ارتدوکس را مسدود می‌کرد. چنین شرایط نه‌تنها موانع بازنمایی هویت دینی مسلمانان می‌شد بلکه زمینه هویت زدایی مسلمانان با تخریب نمادهای هویتی مسلمانان با هدف یکسان‌سازی فرهنگی توسط تزارها و کلیساهای ارتدوکس مسیحیت می‌شد.

وضعیت نمادهای مذهبی مسلمانان نسبت به مسیحیت ارتدوکس دوره تزاری روسیه

نمادهای دینی و مذهبی مبنای همبستگی و هویت بخشی جوامع دینی و مذهبی می‌باشد. پیروان ادیان مختلف از طریق نمادهای دینی نیازهای مادی و معنوی خود را تأمین می‌کنند. با وجود اینکه ادیان مختلف با باورها و ارزش‌های مختلف خود سعی در هویت بخشی و تأمین نیازهای مادی و معنوی خود بودند لیکن بسیاری از رژیم‌های سیاسی چندان به تساهل با ادیان مختلف نبودند. دولت مطلقه تزاری روسیه با پذیرش مسیحیت ارتدوکس به‌عنوان ابزار مشروعیت بخش خود چندان تمایل به تساهل با ادیان دیگر نبود و تخریب نمادها و هویت دینی مسلمانان توسط تزارهای روسیه در جهت یکسان‌سازی فرهنگی با ترویج مسیحیت ارتدوکس تداوم داشت. به‌گونه‌ای که از ابتدای شکل‌گیری خود رویکرد تزاری بدین صورت بود.

حرکت توسعه‌طلبانه ایوان در سال ۱۵۵۱م به تاتارهای خانات کازان با ۱۵۰۰۰۰ سرباز با توپ‌های بزرگ، پرچم با تصاویر مسیح بود. پس از ۴۰ روز محاصره شهر را فتح کردند و کازان استان دیگر روسیه شد و یک فرماندار روسی و کلیسای ارتدوکس روسیه اداره آن را به دست گرفتند. (Anonymous, p. 16). تزارها با تسخیر سرزمین‌های مسلمانان، آن‌ها را بین اشراف روسی و صومعه‌های ارتدوکس توزیع می‌کردند این باعث مهاجرت بسیاری از مسلمانان در برخی مناطق مسلمان‌نشین می‌شد. در برخی از مناطق شمال قفقاز مسلمانان در سرزمین اجدادی خود اقلیت شدند. برای جلوگیری از گسترش اسلام بسیاری از آرشیوهای کتابخانه‌ها و نسخ خطی مسلمانان ویران شد. مسلمانان از شهرهای مهم و بهترین سرزمین‌های خود بیرون رانده شدند به‌عنوان مثال پس از تصرف غازان، غازان غارت شد، بسیاری از مردم آن به قتل رسیدند و به دستور تزار ایوان مخوف اموال و دارایی‌های مسلمانان بین روس‌ها توزیع شد. در سال ۱۵۹۳م فئودور ایوانویچ پسر ایوان مخوف دستور تخریب همه مساجد و مدارس دینی را صادر کرد. در ۱۷۴۲م امپراطور الیزابت فرمان دیگری برای تخریب همه مساجد در روسیه را صادر کرد تنها در طول هفت سال تنها در استان کازان ۴۱۸ مسجد از ۵۳۶ مسجد ویران شد. اموال خیریه (وقف) مسلمانان مصادره شد. این جو خصمانه منجر به شورش‌ها و قیام شد ((Akhmetova, 2018: 14).

تزارهای روس برعکس تخریب نمادهای هویتی مسلمانان مانند مساجد به دنبال ساخت و توسعه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

نمادهای مسیحیت مانند کلیسای ارتدوکس مسیحیت بودند به‌گونه‌ای بین دهه‌های ۱۸۸۰م و ۱۸۹۰م بیش از ۲۵۰ کلیسا در مناطق مختلف برای کنترل کلیساها بر آموزش و پرورش ساخته شد (Waller, 2015: 6). کلیساهای ارتدوکس را به‌عنوان نماد حکومت امپراطوری در آسیای مرکزی به نمایش می‌گذاشتند. کلیسای جامعه تجلی، یک کلیسای بزرگ نئوبیزانسی که در سال ۱۸۸۸ م تکمیل شد بر فراز خانه فرماندار در میدان اصلی تاشکند قرار داشت. در سال ۱۸۹۸م یک کلیسای آجری بلند پنج گنبدی به‌عنوان نماد ویژگی ملی و قومی روسیه بود در محوطه مدرسه‌ای تاشکند ساخته شد. استعمارگران و مبلغان روسی در قفقاز انتظار احیای مسیحیت ارتدوکس بودند کلیساهای چادری در دهه ۱۸۸۰م در باکو ساخته شدند. مبلغان و مقامات روسی در قفقاز به اهمیت حضور فیزیکی کلیسای ارتدوکس برای هدایت مذهبی مردمان کوهستان اشاره می‌کردند (Wortman, 2013: 272). تزارها ساخت و توسعه کلیسا را وسیله برای کنترل مذهب غیر ارتدوکس و اقلیت‌های غیر روسی می‌دانستند الکساندر سوم کنترل کلیسا بر آموزش را به‌عنوان راهی برای شکست ایده‌های انقلابی افزایش می‌داد. علاوه‌بر این، ارتدکس روسیه یک ویژگی اصلی در سیاست روسی سازی تزاری بود که به‌عنوان وسیله‌ای برای حفظ کنترل برای امپراتوری تلقی می‌شد (Waller, 2015: 6). برای یکسان‌سازی فرهنگی در سال ۱۸۷۰م توسط تولستوی وزیر کشور الکساندر سوم مسئله اجباری زبان روسی مطرح شد طبق قانون جوامع مسلمان هنگام افتتاح مکتب‌ها و مدارس جدید کلاس‌های زبان روسی را راه‌اندازی کنند. این امر با مخالفت روحانیون مواجه بود لیکن آخوندها ناچار به یادگیری زبان روسی و آموزش زبان روسی شدند. در مساجد نیز روحانیون بایستی در خطبه‌ها از امپراطور و اعضای خانواده وی تمجید می‌کردند (Norihiro, 2006: 105-108).

هویت زدایی با تخریب نمادها و نهادهای مسلمانان در طول دوره تزاری جزئی از اهداف دولت منطقه تزاری روسیه بود. هرچند در برخی مقاطع تاریخی در جهت بازیابی قدرت سلطنت سعی می‌کردند به صورت مقطعی یکسری امتیازاتی به مسلمانان قائل می‌شدند در سال ۱۷۸۸م مجمع روحانیون مسلمان اورنبورگ به دستور کاترین دوم تحت کنترل دولت برای نظارت بر فعالیت مسلمانان تأسیس شد (Khalid, 2007: 36) لیکن این اقدام کاترین چندان استمرار نیافت. از دهه ۱۸۵۰م آزار و اذیت مذهبی توسط تزارها محوریت یافت ارتدوکس روسیه بالاجبار بر مسلمانان تحمیل می‌شد دوباره سربازان روسی همراه با مبلغین مسیحی وارد روستاهای مسلمین می‌شدند (Akhmetova, 2018: 16).

در کنار تأسیس مجمع روحانیون مسلمان در دوره کاترین دوم، تأسیس شوراهای محلی [زمستواها] در ۱۸۶۴م توسط الکساندر دوم بود (Glennys Young: 1996). شوراهای محله متشکل از روحانیون،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

تجار، اشراف، اعضای ارشد و افراد سرشناس بود. آن‌ها در امر آموزش؛ ورود دانش آموزان، دعوت و اخراج معلمان، سازمان‌دهی کتابخانه‌ها، نظارت بر امتحانات و غیر دارای اختیار بودند (Norihiro, 2006: 115). هرچند این امر فرصتی برای احیاء هویت دینی مسلمانان می‌توانست باشد منتهی با ترور الکساندر دوم پایانی بر اصلاحات بود. الکساندر سوم به دنبال احیای سلطنت مطلقه و ستایش از استبداد بود وی در تاج‌گذاری و جشن‌های مذهبی اتحاد مردم با کلیسای ارتدوکس و تزار را به نمایش می‌گذاشت (Wortman, 2013: 65-66). وی در سال ۱۸۸۹ م با معرفی کاپیتان‌های زمینی قدرت زمستوا را کاهش داد و تحت فرمانداران محلی منصوب تزار قرار داد. وی از پلیس مخفی به‌شدت برای سرکوب مخالفان سیاسی استفاده می‌کرد. نظارت بر نشر مطبوعات و کتب را افزایش داد (Waller, 2015: 8). بعد از الکساندر سوم نیکلاس دوم به قدرت رسید وی نیز مانند پدرش یک خودکامه متعهد بود. منتهی شکست روسیه از ژاپن نیز فرصتی برای تقویت بازیابی هویت دینی از طریق شوراهای محلی بود. با این حال تزارهای روسیه به دنبال نظارت بر شورها بودند در ۱۹۱۰م اداره مذهبی دولت تزاری روسیه از فرمانداران درخواست بررسی فعالیت شوراها شد فرماندار کازان در گزارش خود شوراها را اصلاح‌طلب و رهبران جنبش پان اسلامیسم می‌دانست و خواستار چهارچوب قانونی برای مهار آن‌ها بود او پیشنهاد کرد شوراها تحت صلاحیت فرماندارن استان قرار گیرند و فعالیت آن‌ها به حوزه اقتصادی محدود شود (Norihiro, 2006: 116). لیکن چنین برنامه‌های مانع تداوم فعالیت‌های مسلمانان نمی‌شد به‌گونه‌ای که از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷م شوراهای متعدد مسلمانان در سراسر روسیه و در سطح محلی در سراسر امپراطوری روسیه به وجود آمدند. این گردهمایی برنامه‌های بلندپروازانه‌ای مانند تأسیس احزاب سیاسی مسلمانان، دستیابی به خودمختاری مردم مسلمان و سایر موارد مشارکت سیاسی داشتند(Meirison, 2022: 184-185) و با سقوط تزار نیکلاس دوم و شکل‌گیری دولت موقت منشویک‌ها فرصت مناسبی برای آزادی مذهبی و نهادهای مذهبی برای فعالیت‌ها شد.

شورش‌های مسلمانان علیه دولت مطلقه تزاری روسیه

رویکرد تبعیض‌گرایانه تزارهای روسیه نسبت به مسلمانان زمینه برخی شورش‌های در دوره تزاری روسیه بود هرچند برای کنترل شورش‌ها تزارها برخی امتیازات را برای مسلمانان قائل می‌شدند لیکن این امتیازات بیشتر در جهت حفظ دولت مطلقه تزاری و به صورت موقت بود. از جمله این شورش‌ها شورش پوگاجف در نیمه دوم قرن ۱۸ به‌عنوان بزرگ‌تری شورش دهقانی در تاریخ روسیه بود

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

شورش پوگاجف با وجود اینکه یک شورش دهقانی محسوب می‌شد لیکن واقعیت این است که مسلمانان به‌عنوان نیروی تأثیرگذار در این شورش محسوب می‌شوند و کاترین ناچار به اعطای یکسری امتیازات برای مسلمانان شد. بر اساس تخمین حدود ۹۰۰۰۰ مسلمان در این شورش شرکت کرده بودند. در پاسخ ملکه کاترین کبیر سیاست نسبتاً لیبرالی را اتخاذ کرد و منجر به اصلاحات مهم شد. در ۱۷۷۳م به شورای مقدس دستور داد فرمان مدارا با همه ادیان را صادر کند. این فرمان همه اسقف‌ها و کشیش‌ها را از تخریب مساجد منع می‌کرد و به مسیحیان دستور عدم‌مداخله در عبادتگاه‌های مسلمان داد (Akhmetova, 2018: 14) منتهی در دوره جانشینان وی این تساهل وجود نداشت همان‌طوری که در مباحث قبلی نیز مطرح شده است آزار و اذیت مسلمانان تداوم یافت منتهی چنین رویکرد استبدادی تزاری روسیه باعث انفعال مسلمانان نمی‌شد.

در سال ۱۸۹۸ به خاطر یادگیری اجباری زبان روسی برخی آخوندها به این امر اعتراض کردند به‌عنوان مثال در سال ۱۸۹۸ م یک شیخ صوفی به نام دوکچی اشون با دو هزار نفر به پادگان‌های روسی در اندیحان حمله کردند برخی نظامیان را کشتند ولی در نهایت سرکوب شد. سخت‌ترین چالش برای حاکمیت روسیه در دوره تزار، شورش گسترده عشایر قرقیز و قزاق در سال ۱۹۱۶ م بود. دولت امپراتوری در مواجهه با کمبود نیروی کار در طول جنگ جهانی اول، معافیت از خدمت اجباری مسلمانان را که ساکنان بومی ترکستان از آن زمان برخوردار بودند، لغو کرد. اعلام کرد که قصد دارد تعداد زیادی از آن‌ها را به خدمت بگیرد. این اعلام بلافاصله شورش را آغاز کرد، ابتدا در شهرهای واحه ترکستان، سپس در میان جمعیت عشایری قرقیزستان کنونی و جنوب قزاقستان. در شهرها نیز جمعیت زیادی در مقابل ساختمان‌های اداری تجمع اعتراضی کردند. هرچند شورش واحه و مناطق دیگر تا اواخر تابستان سرکوب شد لیکن این جدی‌تری شورش مسلحانه علیه حاکمیت روسیه در آسیای مرکزی در ۱۹۱۶م بود (Kha-lid, 2007: 38). شورش‌های دیگری در مناطق مختلف روسیه نیز علیه تزارها مانند شورش‌های خیابانی سن‌پترزبورگ وجود داشت که منجر به کناره‌گیری نیکلاس دوم در مارس ۱۹۱۷م شد. کناره‌گیری نیکلاس دوم فرصت مناسب برای آزادی نهادهای مسلمان برای ترویج و احیاء هویت‌های دینی بود منتهی با قدرت‌یابی بلشویک‌ها یا کمونیست‌های بی‌خدا این آزادی با وجود تمایل لنین به آزادی‌های مذهبی و پیشنهاد مدیریت منطقه سرزمین‌های مسلمان‌نشین به خود مسلمانان چندان تداوم نیافت و خاتمه یافت (Service, 2018: 3-5).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

نتیجه‌گیری

دولت مطلقه تزاری حدود ۴۵۰ سال از قرن ۱۵ تا قرن ۱۹ در روسیه قدرت را در دست داشتند. شکل‌گیری حکومت تزاری در حالی بود که جمعیت وسیعی از مسلمانان در مناطق مختلف روسیه زندگی می‌کردند. تزارهای روسیه صرفاً به مناطق محدود قلمرو خود اکتفا نمی‌کردند به دنبال توسعه‌طلبی قلمرو خود نیز بودند به‌گونه‌ای که بسیاری از مناطق مسلمان‌نشین ایران در قفقاز و آسیای مرکزی به تصرف آن‌ها در آمد. توسعه‌طلبی تزارها در مناطق مسلمان‌نشین توأم با تساهل با مسلمانان نبود. رویکرد دولت مطلقه تزاری نسبت به جمعیت وسیع مسلمانان در مناطق مختلف روسیه در مقایسه با مسیحیت ارتدوکس یکسان نبود. اینکه چرا رویکرد تزارهای روسیه به مسلمانان نسبت به مسیحیت ارتدوکس برابر نبود بایستی تاریخ شکل‌گیری حکومت تزاری روسیه مورد بررسی قرار گیرد. شاهزادگان مسکو در دوره مغول‌ها خود را در تبعیت حکومت مغول‌ها می‌دانستند منتهی ضعف مغول‌ها فرصتی برای استقلال آن‌ها بود. این شرایط باعث غلبه شاهزادگان مسکو بر مغول‌ها شد. تزارهای روسیه برای حکومت نوظهور خود نیز به ابزار مشروعیت بخش بودند. سقوط قسطنطنیه فرصتی برای استفاده از مسیحیت ارتدوکس به‌عنوان ابزار مشروعیت بخش حکومت تزارها شد. این امر زمینه مهاجرت مسیحیان از مناطق مختلف اروپا به روسیه می‌شد. مسیحیت ارتدوکس به‌عنوان نماد هویت‌بخش تزارهای روسیه نه‌تنها فرصت بازتولید هویت‌های متعارض با هویت مسیحیت ارتدوکس را نمی‌داد بلکه کلیساهای مسیحیت ارتدوکس و تزارهای روس به دنبال تخریب نمادهای هویت‌های متعارض با مسیحیت ارتدوکس بودند.

دین اسلام با وجود قدمت تاریخی طولانی در روسیه، با هویت‌سازی مسیحیت ارتدوکس توسط تزارها نمی‌توانست شرایط یکسان به بازتولید هویت‌ها خود داشته باشد. تزارهای روسیه صرفاً برتری مسیحیت ارتدوکس را نسبت به اسلام معرفی نمی‌کردند بلکه به دنبال برتری زبان روسی به زبان‌های غیر روسی بودند. در واقع تزارهای روس برتری خود را از طریق زبانی و دینی نسبت به غیر روس‌ها و غیر مسیحیان ارتدوکس نشان می‌دادند. آن‌ها روس‌های ارندوکس مسیحی را به‌عنوان شهروندان درجه اول و بقیه را در درجات دیگری شهروندی قائل بودند. تزارهای روس و کلیسای ارتدوکس، آئین اسلامی را موانع ترویج آیین مسیحیت می‌دانستند و برای مقابله با این امر سعی به تخریب مساجد و نهادهای دینی بودند و در مقابل به تأسیس کلیساها در مناطق مسلمان‌نشین اقدام می‌کردند.

هویت زدایی دین اسلام با تخریب نمادهای دینی مسلمانان و تضعیف زبان‌های غیر روسی جزئی از برنامه‌های روس‌ها برای ملت‌سازی با هویت روسی و مسیحیت ارتدوکس بود لیکن این امر نتوانست

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

بدون واکنش مسلمانان باشد و با شورش‌های همراه بود؛ شورش پوگاجف به‌عنوان یک شورش دهقانی در نیمه دوم قرار ۱۸ با جمعیت وسیع مسلمانان و شورش یک شیخ صوفی به نام دوکچی اشون در سال ۱۸۹۸م با حمله دو هزار نفری به پادگان‌های روسیه در اندیحان از جمله این شورش‌ها بود. ضمن اینکه تبعیض‌های تزارهای روسیه نسبت به مسلمانان به‌گونه‌ای بود که در جنگ جهانی اول که تزارها نیز درگیر جنگ بودند مسلمانان حاضر به شرکت در جنگ در حمایت از تزارها نبودند و به دنبال تأمین آزادی‌ها برای بازتولید هویت‌های خود بودند. این امر با سرنگونی نیکلاس دوم آخرین تزار روسیه در دوره دولت موقت منشویک با انقلاب شوروی تا قدرت‌یابی بلشویک امکان‌پذیر شد.

در واقع ماهیت دولت مطلقه تزاری روسیه مبتنی بر قدرت استبدادی و مسیحت ارتدوکس به‌عنوان ابزار مشروعیت بخش دولت تزاری روسیه، هر نوع آزادی و برابری برای بازتولید هویت‌های متعارض با مسیحت ارتدوکس را در دولت مطلقه تزاری را مسدود می‌کرد که منجر به اعتراضات مسلمانان برای بازتولید ارزش‌ها می‌شد. در نهایت در جنگ جهانی اول اکثریت مسلمانان حاضر به حمایت از تزارهای روس نشدند و به‌عنوان یکی از زمینه‌های سقوط تزارهای روسیه می‌تواند باشد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

منابع

آرون، ریمون (۱۳۸۲). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی. ترجمه باقر پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ازغندی، علیرضا (۱۳۹۱). درآمد بر جامعه شناسی سیاسی ایران. تهران: نشر قومس.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۲). تاریخ فلسفه سیاسی غرب. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

وینسنت، اندرو (۱۳۹۲). نظریه‌های دولت. ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.

Abbasi, I. (2023). Russian Islamophobia: From Medieval Tsardom to the Post-Soviet Man, Islamophobia Studies Journal, 8(1).

Akhmetova, E. (2018). Managing Muslim Minorities in Russia, Dirasat, 33.

Anonymous (n.d). History of Russia from prehistory to Putin, https://publichealth.hsc.wvu.edu

Bethmann, E. (1958). The Fate of Muslims under Soviet Rule, Director of Research and Publication, American Friends of the Middle East, Inc., New York

Brüning Alfons (2023). The Tsarist System, Germany, Brill Schöningh

Childers, B. (2012). The Plurality of Soviet Religious "Policy", The Florida State University; College of Arts and Science, United States.

Khalid, A. (2007). Islam after Communism: Religion and Politics in Central Asia, University of California Press, United States.

Lenz-Raymann, K. (2014). Securitization of Islam: A Vicious Circle, University of Zurich, the Swiss National Science Foundation.

Martin, C. (2017). Islam and Revolution: Central Asia in Transition, 1905-1928,

Martin, C. (2017). Islam and Revolution: Central Asia in Transition, 1905-1928, University of Lethbridge Undergraduate Honours Thesis (History), Canada

Meirison, M. (2022). Problems of Muslim Society in Russia Past and Present. Journal of Social Science Teaching, 184-185.

Merati, S. (2015). Russia's Islam: Discourse on Identity, Politics, and Security Florida International University.

Morrow, J. (1998). History of Political Thought: A Thematic Introduction, New Zealand, Victoria University of Wellington.

Norihiro, N. (2006). Molding the Muslim Community through the Tsarist Administration:

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

Mahalla under the Jurisdiction of the Orenburg Mohammedan Spiritual Assembly after 1905, Acta Slavica Iaponica.

Rozkošová, Z. (2021). Seeking a Place for Islam in Post-Soviet Russia, Przegląd Strategiczny

Service, R. (2018). Russia and the World of Islam, Hoover Institution. Stanford University, United States.

Waller, S. (2015). History A Level: Tsarist and Communist Russia 1855–1964, Oxford University Press.

Wirtschafter Elise, K. (2008). Russia's Age of Serfdom 1649-1861, Blackwell

Wortman Richard (2013), RUSSIAN MONARCHY: REPRESENTATION AND RULE K Collected Articles, Boston, Academic studies press.

Young, G. (1996). Into Church Matters: Lay Identity, Rural Parish Life, and Popular Politics in Late Imperial and Early Soviet Russia, 1864-1928, 23(1-4).

Zamoiski, A. (n.d) .Islamic Movements in the Russian Empire during and after the First World War Prokudin-Gorskii Collection (Library of Congress), United States.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۵۰۴۰۴

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

جباری، محمدحسن (۱۴۰۴)، «دولت مطلقه تزاری روسیه؛ دین اسلام و مسیحیت ارتدوکس» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۵، ش۴، زمستان ۱۴۰۴، صص ۹۰-۷۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]